

تحلیل عوامل مؤثر بر راهبرد سیاسی - نظامی پیامبر اکرم (ص) در جنگ احزاب (مطالعه موردی آیات ۹ تا ۲۷ سوره احزاب)

حنان عمیدی^۱

محمد شعبان پور^۲

تاریخ دریافت: ۲۰ بهمن ماه ۱۴۰۳ . تاریخ پذیرش: ۳۱ خرداد ماه ۱۴۰۴ . نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

با هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه، تهدیدات مشرکان، شکل جدیدی به خود گرفت. تعیین راهبرد و استراتژی نظامی در برابر تهدیدهای مشرکان و یهودیان، یکی از عرصه‌های مدیریت پیامبر (ص) بود که در غزه خندق، آخرین تهاجم دشمن به نیروهای اسلام و نقطه اوج اقدامات دفاعی مسلمین، نمود یافت. نوشتار پیش رو باهدف تحلیل عوامل مؤثر بر استراتژی پیامبر اکرم (ص) در قالب روش سوات (SWOT) و با نگاه موردی در آیات ۹ تا ۲۷ سوره احزاب انجام گرفت. ابزار مورد استفاده تحقیق، فهرست محقق ساخته عوامل مؤثر بر مدیریت است. با استفاده از تحلیل آیات، به ارائه جدول مربوط به عوامل مؤثر بر مدیریت پیامبر اکرم (ص) در دو دسته عوامل بیرونی و درونی و همچنین تحلیل عوامل استراتژیک پرداخته شد. یافته‌ها نشان داد کمبود تجهیزات، توطئه منافقان و بیمار دلان درون مدینه، کمبود زمان و عهد شکنی یهودیان بنی قریظه، از موانع و عوامل اصلی در استراتژی پیامبر اکرم (ص) به شمار می‌روند؛ لذا آن حضرت برای برنامه‌ریزی و کاهش ضعف‌ها، از راهکارهایی نظیر استفاده بهینه از زمان، جبران کمبود تجهیزات در پی مدیریت صحیح نیروی انسانی، تضعیف روحیه دشمن با کشتن شجاع‌ترین فرمانده سپاه آنان، برهم زدن اتحاد دشمن و برخورد با عهد شکنان بنی قریظه استفاده کردند.

واژگان کلیدی: پیامبر اکرم (ص)، مدیریت، استراتژی، جنگ احزاب، روش سوات (SWOT).

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ 83maryam62@gmail.com.

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛ mshabanpur@atu.ac.ir.

مقدمه

با هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه، فشارهای مستقیم مشرکان قریش بر مسلمانان کاهش یافت و مسلمانان در یثرب، زندگی جدیدی را در سایه حکومت نوپای اسلامی آغاز کردند. از این پس، تهدیدات مشرکان قریش شکل تازه‌ای به خود گرفت و براین اساس، نقش رهبری الهی در نجات حکومت تازه تأسیس اسلامی از اوضاع خطرناک، توجه به برنامه‌ریزی استراتژیک را ضروری می‌ساخت. خداوند در قرآن کریم با تأکید بر الگوپذیری از سیره پیامبر (ص) چنین می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱). سیاق این آیه، ما را به تأسی از رسول اکرم (ص) به عنوان الگویی کامل در مدیریت بحران‌ها و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک دعوت می‌کند.

جنگ احزاب، در شوال سال پنجم هجری، در نواحی شمال و غرب مدینه رخ داد. آیات ۹ تا ۲۷ سوره احزاب به این حادثه تاریخی می‌پردازد که آخرین تهاجم دشمنان به نیروهای اسلام و نقطه اوج اقدامات دفاعی مسلمانان به شمار می‌رفت. احزاب، متشکل از مشرکان قریش، اهل کتاب، منافقان و بیماردلان مدینه و عهدشکنان بنی قریظه بودند که با هدف نابودی اسلام و ایجاد تفرقه در میان مسلمانان عمل می‌کردند. قرآن کریم این گروه‌ها را به دلیل تفکر و اقدامات سیاسی- اجتماعی برای براندازی نظام اسلامی، «احزاب» و به دلیل سازماندهی نظامی‌شان، «جنود» می‌نامد.

سازماندهی نیروهای اسلام با توجه به وضعیت کمی و کیفی، برنامه‌ریزی برای اتخاذ موضع تهاجمی دقیق بر اساس اطلاعات دریافتی، و مدیریت و نظارت بر استراتژی‌های تعیین شده، از دشوارترین وظایف پیامبر اکرم (ص) در این جنگ بود. شناخت جامع از عوامل و موانع پیروزی سپاه اسلام در برابر احزاب، در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های ایشان مؤثر بود و به پیامبر (ص) کمک کرد تا با نگاهی واقع‌بینانه، غزوه خندق را مدیریت نماید و برای سپاه مسلمانان برنامه‌ریزی کند. شناسایی آسیب‌های سیاسی جامعه اسلامی، هماهنگ‌سازی منابع و سازماندهی، رهبری و نظارت بر اجرای اهداف، از جمله اقداماتی بود که رهبر الهی برای برون‌رفت از این شرایط اتخاذ کرد. مطالعه سیره پیامبر اکرم (ص) به عنوان رهبری عالی‌مقام، نمونه‌ای کامل از مدیریت نظامی و سیاسی را نشان می‌دهد که بخش مهمی از آموزه‌های سیره نبوی در چهارچوب الگوهای عمل سیاسی، حل تنازعات اجتماعی، برقراری امنیت و تنظیم قوای اجرایی بوده است.

پیامبر (ص) در شرایط سیاسی پیچیده مدینه، ناگزیر از تلاش برای حفظ ثبات در محیطی متغیر و مقابله با پیشامدهای محیطی بودند. ایشان با دو مکتب مدیریتی مواجه شدند: مکتب توصیفی انطباقی با رویکردی انفعالی و اقتضایی، و مکتب پیش‌تدبیری یا تجویزی با رویکردی فعال به عوامل محیطی. مکتب پیش‌تدبیری با شرایط جامعه اسلامی در حال توسعه، سازگاری بیشتری

داشت و مدیریت راهبردی را به عنوان فرایندی برای تصمیم‌گیری مبتنی بر تجزیه و تحلیل اطلاعات محیط درونی (نقاط قوت و ضعف) و محیط بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) به کار می‌گرفت. این الگوی مدیریتی، که با تأکید قرآن بر اسوه حسنه بودن پیامبر (ص) همخوانی دارد، راهنمایی برای مدیریت جامعه اسلامی در مسیر پیروزی و پیشرفت ارائه می‌دهد.

استفاده از روش تحلیل مناسب در رجوع به منابع اصیل دینی، از لوازم کشف پاسخ صحیح دینی به یک مسئله سیاسی است، از این رو، در نوشتار حاضر تلاش شده است در محدوده آیات ۹ تا ۲۷ سوره احزاب، که در مورد یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخ اسلام بحث می‌کند، روش استراتژی نظامی پیامبر اکرم (ص) بر اساس روش تحلیلی سوات مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد تا با بررسی و شناسایی عوامل درونی (قوت - ضعف) و عوامل بیرونی (فرصت - تهدید) و همچنین با آمیختن این موارد، راهکارهای مناسب و دقیق برای بیرون رفتن از وضعیت بحران پیش رو در راستای دستیابی به وضعیت مطلوب ارائه دهد. براین اساس، سؤالات اصلی پژوهش عبارتند از:

۱. مهم‌ترین عوامل بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) و عوامل درونی (نقاط قوت و ضعف) مرتبط با استراتژی پیامبر اکرم (ص) در غزوه خندق چیست؟
۲. مهم‌ترین راهبردهای سیاسی - نظامی پیامبر اکرم (ص) در غزوه خندق کدام است؟

۱. پیشینه پژوهش

به‌رغم بررسی‌های انجام‌شده، پژوهشی که در راستای مسئله حاضر و هماهنگ با محتوای آن باشد، یافت نشد. عناوین برخی آثار، تکراری بودن مسئله پژوهش حاضر را به ذهن متبادر می‌کند که با بررسی آنها، تکراری نبودن آن ثابت می‌شود.

یعقوب زاده (۱۴۰۱) در مقاله «گونه‌شناسی نیروهای حاضر در جبهه مسلمانان در جنگ احزاب؛ تحلیل اقدامات آنان با بررسی آیات مرتبط در سوره احزاب» با استفاده از محتوای آیات ۹ تا ۲۷ سوره احزاب، نکات موجود در تفاسیر و گزارش‌های تاریخی و گونه‌های حاضر در سپاه مسلمانان را بر پایه ویژگی‌ها و اقداماتی که انجام داده‌اند، سه جریان منافقان، بیمار دلان و مؤمنان راستین معرفی می‌کند که کنش هریک از این گروه‌ها، در وضعیت تقابل با دشمن و برآیند نهایی جنگ تأثیرگذار بوده است. در این نوشتار، به نقش و استراتژی نظامی پیامبر اکرم (ص) اشاره‌ای نشده است.

ملاشفیعی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «آسیب‌شناسی اخلاقی - سیاسی جامعه و راهکارهای دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی بر اساس سوره احزاب»، زمینه اصلی ظهور و بروز آسیب‌های اخلاقی - سیاسی را نفاق رفتاری می‌دانند که مرتبه‌ای جدی‌تر از نفاق پنهان و عقیدتی است. این نوشتار، آسیب‌های نفاق رفتاری و شاخص‌های جامعه مطلوب را بیان می‌کند.

زاهری (۱۴۰۰) در مقاله «جریان‌شناسی سوره احزاب»، بر جریان احزاب متمرکز شده و بعد از تقسیم‌بندی جریان‌ها، دستاوردها و برداشت‌هایی را از این سوره بیان کرده است.

قریب و عالمی (۱۳۹۷) در مقاله «روش تصمیم‌گیری پیامبر اسلام (ص) در تعیین استراتژی نظامی حکومت مدینه از هجرت تا فتح مکه»، به روش تصمیم‌گیری عقلایی پیامبر اکرم (ص) در محدوده زمانی غزوات دوره مدنی و در برابر دشمنان خارجی اشاره می‌کنند؛ هرچند استراتژی آن حضرت در برابر دشمنان داخلی را بررسی نکرده است.

قائدان (۱۳۸۵) در مقاله «مدیریت و رهبری پیامبر (ص) در عرصه‌های نظامی»، بر محورهایی همچون مدیریت نیروی انسانی، آموزشی، سیاسی، استراتژیک و فرهنگی متمرکز شده و مدیریت پیامبر اکرم (ص) را به عنوان نمونه‌ای عالی و متعالی و اسوه‌ای برای مدیران نظامی معرفی کرده است.

ضاهروتی (۱۳۸۵) در کتاب مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر اکرم (ص)، شیوه فرماندهی رسول خدا (ص) و ستاد پرسنلی، اطلاعاتی و عملیاتی سپاه ایشان را بررسی نموده و بر تاکتیک‌های نظامی پیامبر اکرم (ص) در میدان جنگ متمرکز شده است.

ولوی (۱۳۷۹) در مقاله «مدیریت در بحران؛ پژوهشی موردی در مدیریت پیامبر اکرم (ص) در غزوه احزاب»، بر مدیریت پیامبر اکرم (ص) در شرایط بحرانی جنگ احزاب و ارائه اصول و تاکتیک‌های آن حضرت در این جنگ متمرکز شده است. نویسنده، مطالعه‌ای خاص در مورد مسلمانان حاضر در جنگ احزاب و نقش اهل کتاب در این نبرد نداشته است.

۲. کلیات مفهومی

تعریف استراتژی و نظریه سوات، کلیات مفهومی نوشتار حاضر را دربرمی‌گیرد که شامل موارد ذیل است:

۱-۲. تعریف استراتژی (راهبرد)

استراتژی، مفهومی است که از عرصه نظامی نشئت گرفته و بعدها در سایر عرصه‌ها، ازجمله سیاست و مملکت‌داری از کاربرد زیادی برخوردار شده است. استراتژی (راهبرد) در معنای اصطلاحی جدید، به فن و علم توسعه و به‌کارگیری قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت هنگام جنگ و صلح به‌منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال دستیابی به نتایج مطلوب برای کسب حداکثر پیروزی و حداقل شکست را گویند (شیروودی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶) که در پژوهش، به همین معنا به کار رفته است.

۲-۲. نظریه سوات (SWOT)

نظریه راهبرد سوات، برای اولین بار در سال ۱۹۵۰م مطرح شد. در این روش، ابتدا اهداف مشخص می‌شوند؛ سپس متناسب با محیط و شرایط آن حکومت، استراتژی موردنظر برای دستیابی به آن اهداف و همچنین چگونگی تخصیص منابع برای رسیدن به هدف طراحی می‌گردد. این ابزار مدیریتی، راهکار غلبه بر ضعف، و تبدیل فرصت‌ها به موفقیت را شرح می‌دهد. براین اساس، روش تحلیل سوات کمک می‌کند تا فرصت‌ها کشف شوند و با شناخت تهدیدها، آنها را مدیریت نماید و با تمرکز بر نقاط قوت و کاهش نقاط ضعف، در مناسب‌ترین جایگاه قرار گیرد (پیرس و رایبسون، ۱۳۸۰، ص ۲۷۰).

هدف اصلی تحلیل سوات، افزایش آگاهی نسبت به عواملی است که در تصمیم‌گیری یک استراتژی نقش دارند. این ابزار به عنوان وسیله‌ای برای تحلیل محیط‌های بیرونی و درونی به کار می‌رود. بررسی درونی که در قالب قوت‌ها و ضعف‌های داخلی سازمانی، قابلیت ارزیابی دقیق از منابع و محدودیت‌های سازمان را فراهم می‌کند؛ نقاط قوت عاملی که سازمان با داشتن و یا انجام آن، از امتیاز مثبت و توانایی قابل ملاحظه‌ای برخوردار خواهد شد و نقاط ضعف عاملی که سازمان با داشتن و یا انجام آن، از امتیاز منفی و عدم توانایی برخوردار خواهد شد. اما بررسی درونی، به ارزیابی تهدیدها و فرصت‌های محیط بیرونی می‌پردازد. فرصت‌ها، منفعت بالقوه‌ای در محیط است که بهره‌گیری از آن، سازمان را در جهت مثبت سوق خواهد داد و تهدیدها زیان بالقوه‌ای در محیط است که در صورت بالفعل شدن، مانع حرکت و رشد سازمان می‌شود (Kangas، ۲۰۰۳).

ماتریس سوات، محدود به شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها، ضعف‌ها و قوت‌ها نیست؛ بلکه باید با تحلیل آنها، به استخراج استراتژی‌ها منجر شود. تجزیه و تحلیل راهبردی، مرحله بسیار مهمی در فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک به شمار می‌رود (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۴۴). تدوین استراتژی برای بهره‌برداری از فرصت‌ها، نوعی حمله است؛ درحالی‌که طرح‌ریزی برای کاهش آسیب‌های ناشی از تهدیدها به معنای دفاع است؛ به همین دلیل باید برای تدوین استراتژی‌های گوناگون، آنها را هماهنگ کرد (شهسواری، ۱۴۰۱، ص ۴۹). در ابتدا، موقعیت سازمان بر اساس قوت‌ها و ضعف‌هایی که در محیط درونی خود دارد و فرصت‌ها و تهدیدهایی که در محیط بیرونی با آن مواجه است مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و سپس با استفاده از ماتریس سوات و پیوند نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها با هم، چهار نوع استراتژی ارائه می‌شود (چارلز، ۱۳۷۰، ص ۶۷).

جدول ۱: چهارچوب تحلیلی SWOT

بررسی محیطی	
تجزیه و تحلیل بیرونی	تجزیه و تحلیل درونی
فرصت‌ها در ماتریس O	نقاط قوت در ماتریس S
تهدیدها در ماتریس T	نقاط ضعف در ماتریس W

جدول ۲: راهبردهای چهارگانه ماتریس SWOT

تهدیدها T	فرصت‌ها O	
راهبردهای ST	راهبردهای SO	نقاط قوت S
راهبردهای WT	راهبردهای WO	نقاط ضعف W

جدول ۳: معرفی راهبردهای چهارگانه SWOT

Wo (انطباقی)	این راهبرد، مربوط به وضعیت داخلی سازمان است و نقاط ضعف‌های آن را ارزیابی می‌کند. هدف این راهبرد، استفاده از فرصت‌های بیرونی برای اصلاح و کاهش نقاط ضعف درونی است.
ST (اقتضایی)	این راهبرد، مربوط به وضعیت خارجی سازمان است و فرصت‌های آن را در ارتباط با بیرون ارزیابی می‌کند. این راهبرد بر اساس توانمندی سازمان طراحی می‌شود و برای مقابله با هرکدام از تهدیدهای احتمالی، از تمام نقاط قوت داخلی استفاده می‌کند.
SO (تهاجمی)	این راهبرد، نقاط قوت را ارزیابی می‌کند. این راهبرد می‌تواند حالت هم‌افزایی ایجاد کند و سازمان می‌تواند از فرصت‌های خارجی با تمرکز بر نقاط قوت شناسایی شده، به بهترین شکل بهره‌برداری نماید.
WT (دفاعی)	این راهبرد، مربوط به وضعیت خارجی سازمان است و تهدیدات پیش رو را در ارتباط با بیرون ارزیابی می‌کند. هدف این راهبرد این است که تصمیماتی اتخاذ شود تا در برابر تهدیدهای شناسایی شده، ضعف‌ها به حداقل ممکن برسد.



جدول ۴: تحلیل راهبردی مهم‌ترین عوامل بیرونی و درونی مرتبط با استراتژی پیامبر اکرم (ص) (SWOT)

مشخصه ۷	مشخصه ۶	مشخصه ۵	مشخصه ۴	مشخصه ۳	مشخصه ۲	مشخصه ۱	مؤلفه‌ها
پیش‌بینی دقیق و برنامه‌ریزی پیامبر (ص)	ایمان قوی رزمندگان	وعده قطعی الهی و پیامبر (ص) به پیروزی	حمایت ویژه خداوند	مدیریت بهینه نیروی انسانی	مدیریت نظامی توسط شخص پیامبر (ص)	رشادت و پایداری اصحاب، به‌ویژه امام علی (ع)	قوت‌ها (S)
ترس و اضطراب شدید مؤمنان	تلاش منافقان برای فرار	تردید و ضعف ایمان برخی مؤمنان	منافقان و معوقین	نامناسب بودن شرایط اقتصادی	کمبود زمان و تجهیزات سپاه	قلت سپاه اسلام	ضعف‌ها (W)
-	-	-	-	نیروهای نفوذی مسلمانان در سپاه دشمن	جغرافیای منطقه و خلاء در حضور به‌موقع دشمن	امدادهای غیبی	فرصت‌ها (O)
-	-	-	خیانت و عهدشکنی یهود	فرماندهان شجاع	لجستیک نظامی قوی	فزونی دشمن (مشركان قریش، اهل کتاب)	تهدیدها (T)

۳. تعیین راهبردهای سیاسی پیامبر اکرم(ص)

زمانی که رهبر الهی قصد دارد یک تصمیم استراتژیک اتخاذ نماید، باید نوع و میزان این تأثیر را بر روی اهداف کشور خود بررسی نماید. به عبارت دیگر شرط لازم برای اتخاذ یک تصمیم راهبردی، مثبت بودن تأثیر آن بر اهداف کشور است. از مزایای استفاده از روش تجزیه و تحلیل سوات، اتخاذ استراتژی متناسب با اهداف واقع بینانه، بهره‌وری مناسب از منابع با شناخت ضعف‌ها و قوت‌ها، شناخت وضعیت موجود و ترسیم چشم‌انداز آینده، استفاده مطلوب از فرصت‌های احتمالی، اندیشیدن تدابیر لازم در مقابل تهدیدات پیش رو با استفاده از توانمندی‌های موجود و استفاده از فرصت‌ها برای غلبه بر ضعف‌ها است. این بخش، به رفتار راهبردی پیامبر اکرم(ص) در غزوه خندق بر اساس الگوی تحلیلی سوات می‌پردازد.

جدول ۵: فرایند ترکیب عناصر سازنده به عنوان مدل رفتاری در تعامل با سپاه احزاب (SWOT)

ضعف (w)	قوت (s)	راهبردهای ارائه شده
تهدید (t)	St	
الف) استفاده بهینه از زمان ب) طرح نقشه‌های دقیق و حسابگرانه	الف) تضعیف روحیه دشمن با قتل شجاع‌ترین فرمانده ب) طرح نقشه‌های دقیق و حسابگرانه ج) سیاست نظامی بازدارنده	
فرصت (o)	So	
صبر و استقامت	-----	

۳-۱. استراتژی Wo (انطباقی)

این راهبرد، مربوط به وضعیت داخلی سازمان است و نقاط ضعف آن را ارزیابی می‌کند. هدف این راهبرد، استفاده از فرصت‌های بیرونی برای اصلاح، و کاهش نقاط ضعف درونی است.

در طول تاریخ رسالت پیامبر اکرم(ص)، خداوند متعال همواره در شرایط بسیار سخت، برای خنثی کردن توطئه‌های دشمن به یاری آن حضرت و مؤمنان شتافته است که جریان بخشی از این امدادها در جنگ احزاب بیان شده و ناظر به نقطه ضعف داخلی و فرصت‌های خارجی به شرح زیر است:

۳-۱-۱. نطفه ضعف داخلی؛ منافقان و معوقین

منافقان و معوقین، بر اساس تفکر مادی‌گرایانه و معرفت حسی و تجربی، هدفی نداشتند و گسترش

اسلام را در تضاد با منافع سیاسی و اقتصادی خود می‌دیدند؛ لذا برای کشورگشایی، برتری طلبی و رسیدن به قدرت و حکومت می‌جنگیدند و هدف دیگری دنبال نمی‌کردند. منافقان کسانی بودند که اظهار اسلام می‌کردند و کفر باطنی خود را پنهان می‌داشتند؛ ولی معوقین، به ضعف ایمان دچار بودند و در شک و تردید به سر می‌بردند و همواره در معرض بازگشت به کفر قرار داشتند: «وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا فِيهَا إِلَّا بَسِيرًا» (احزاب: ۱۴). همین عدم ثبات، موجب تأثیرگذاری سخنان منافقان در آنان می‌شد و همراهی آنان با منافقان می‌توانست زمینه‌ساز شکست مؤمنان باشد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱۶، ص ۴۲۸). منافقان و معوقین با محال دانستن امکان موفقیت مسلمانان در برابر دشمن، به تردیدافکنی در میان سپاه اسلام پرداختند. آنان شکست مسلمانان را در برابر سپاه مجهز دشمن قطعی می‌دانستند و گزینه عدم مقاومت در برابر دشمن و تسلیم را پیشنهاد می‌دادند: «لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارِجُوا» (احزاب: ۱۳). این در حالی بود که پیش از این، مسلمانان در جنگ بدر و در شرایط نابرابر، سپاه قریش را شکست داده بودند: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ» (آل عمران: ۱۲۳). این دو گروه که باتوجه به سخنان مشترکشان در کنار هم قرار گرفته بودند، با تکذیب سخنان خدا و پیامبر اکرم (ص)، ایجاد شک و تردید در امکان موفقیت مسلمانان در برابر دشمن: «مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (احزاب: ۱۲) و بهانه جویی‌های بی‌مورد: «إِنَّ يَبُوتَنَا عَوْرَةً وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ» (احزاب: ۱۳)، و با تخریب روحیه مسلمانان و ضعف و سستی افکندن در میان آنان، انگیزه‌ای نداشتند جز براندازی کامل نظام اسلامی که بر پایه مکتب یکتاپرستی بنا شده بود.

۳-۲-۱. فرصت خارجی؛ امدادهای غیبی

معرفت‌شناسی پیامبر اکرم (ص) و صحابه آن حضرت، بر پایه عقل و تجرید بود و برای اهداف بلند احیای کلمه «الله»، مبارزه با ستم و مفسد اجتماعی، استکبار و رفع موانع از سر راه بشر، دفاع از محرومان و مستضعفان و تحقق بسیاری از آرمان‌های بلند الهی و بشری دیگر جهاد می‌کردند (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ص ۴۷-۴۸ و ۶۶). قرآن کریم این گروه را به عنوان کنشگران فعال و موفق میدان مطرح می‌کند که ایمانشان، آنان را از دو گروه منافقان و بیمار دلان متمایز می‌نماید. مؤمنان راستین به‌رغم فراوانی دشمن و مجهز بودن سپاهشان، همان طور که وعده داده بودند، هنگام روبه‌رو شدن با دشمن، با ثبات قدم و عزمی راسخ ایستادگی نمودند و میدان را ترک نکردند: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» (احزاب: ۲۲). مؤمنان، حیات دنیا را لهو، و خود را مسافر و مهاجری می‌دانستند که باید از این دنیا، به‌سوی ابدیت پس از مرگ هجرت و سفر کنند. آنان جهاد فی سبیل الله را به‌عنوان پیمان شرعی بر عهده خود مقرر کردند و در این مسیر گام برداشتند؛ لذا وقتی شهادت به سراغشان بیاید، مانند این است که نذر خود را ادا کرده‌اند. گروهی دیگر نیز منتظرند تا جانشان را به خدا هدیه کنند: «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (احزاب: ۲۳).

پیامبر اکرم (ص) با یادآوری تحقق وعده‌های الهی در غزوه بدر باوجود آنکه تعداد سپاه اسلام، یک سوم لشکر دشمن بود، راهبرد استقامت و صبر را ارائه نمودند تا مسلمانان با بهره‌گیری از این معارف، از اهداف خود دست برندارند و به مسیر خود ادامه دهند. خداوند نیز با انجام وعده‌های خود بر آن حضرت و مؤمنان که از جهات گوناگون با مشکلات جدی روبه‌رو بودند، به آنان یاری رساند و کمبود نیرویشان را با باد و لشکر نامرئی فرشتگان جبران کرد: «إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» (احزاب: ۹) و از نظر روحی، دل‌های نگران‌شان را آرامش بخشید: «وَلِيُزَيِّطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ» (انفال: ۱۱) (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج ۶۵، ص ۵۸۹). براین اساس، خداوند سبحان هرگز از یاری دین و نظام دینی دست برنمی‌دارد. حتی اگر منافقان بر اثر ترس از مرگ و بهانه‌های واهی از صحنه نبرد بگریزند و دین را یاری نکنند، خدای حکیم گروهی دیگر را می‌آورد که از هر نظر بهترند و پیامبرش را یاری می‌کند: «وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» (محمد: ۳۸).

۲-۳. استراتژی WT (دفاعی)

این راهبرد، مربوط به وضعیت خارجی سازمان است و تهدیدات پیش رو را در ارتباط با بیرون ارزیابی می‌کند. هدف این راهبرد این است که تصمیماتی اتخاذ گردد که با استفاده بهینه از زمان و طرح نقشه‌های دقیق و حسابگرانه در برابر تهدیدهای شناسایی‌شده، ضعف‌ها به حداقل ممکن برسد.

به صورت کلی تصمیم‌گیری فرایند حل مسئله، ازطریق انتخاب بهترین راه حل ممکن برای حل مشکل است (رضایپور، ۱۳۷۶، ص ۸۷). بنابراین، نیاز به تصمیم‌گیری زمانی به وجود می‌آید که مشکل احساس شود و پس از آن، تحلیل صحیح مشکل، سبب گشوده شدن افق وسیعی در برابر تصمیم‌گیرنده می‌شود.

پیامبر اکرم (ص) بر اساس سازماندهی و برنامه‌ریزی، فعالیت نظامی را با ساختاری روشمند به‌منظور حداکثر کارایی و بهره‌وری انسجام بخشید و باتوجه به نوع جنگ و میدان عملیات و نیازهای خاص آن، برای موفقیت و پیروزی جنگ برنامه‌ریزی فرمود. ازاین‌رو، سرعت عمل حضرت در استفاده بهینه از زمان و اتخاذ تصمیمی دقیق، یکی از نکات مهم در جنگ احزاب به شمار می‌رود که ناظر به نقاط ضعف داخلی و تهدید خارجی به شرح زیر است:

۱-۲-۳. نقاط ضعف داخلی؛ محدودیت زمانی، کمبود نیروی انسانی و تجهیزات جنگی

سواران خزاعه، خبر عزیمت سپاه قریش از مکه را چهار روز بعد از حرکت، به پیامبر اکرم (ص) رساندند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۴۴). این در حالی است که فاصله بین مکه و مدینه، حدود ده تا دوازده روز بود. این فوریت زمانی، فشار زیادی بر مسلمانان وارد کرد؛ چنان‌که قرآن در آیه ۱۱ سوره

احزاب، به آزمایش سخت مؤمنان و اضطراب شدید آنان اشاره می‌کند: «هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زَلْزَلًا شَدِيدًا». در غزوه خندق، سپاه اسلام تنها سه هزار نفر بودند و تعداد اسب‌هایشان به سی و چند رأس نمی‌رسید. با این حال، تأکید خداوند در آیه ۲۵ سوره احزاب: «وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ»، نشان‌دهنده آن است که پیروزی با وجود کمبود نیرو و تجهیزات، به مدد الهی حاصل شد. مدینه از سه طرف توسط خانه‌های مسکونی، نخلستان‌ها و کوه محصور بود و دشمن تنها از یک سو امکان حمله داشت که با حفر خندق، این موقعیت سلب شد (جمشیدی و تنهایی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴). آیه ۱۰ سوره احزاب، به هجوم دشمن از جهات مختلف «إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ» و آیه ۲۵ به ناکامی دشمن «وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا» اشاره دارد که با استراتژی دفاعی حفر خندق و موقعیت جغرافیایی مدینه همخوانی دارد.

۳-۲-۲. تهدید خارجی؛ لجستیک نظامی دشمن

سپاه مشرکین از سه لشکر تشکیل شده بود: لشکر قریش و هم‌پیمانانش به رهبری ابوسفیان با بیش از ۴۷۰۰ نفر و ۳۰۰ اسب و ۱۵۰۰ شتر که پس از نزدیک شدن به مدینه، در محلی موسوم به «رومه» مستقر شدند. لشکر عطفان و هم‌پیمانانش به فرماندهی عیینه بن حصن فراری با بیش از ۱۸۰۰ نیروی جنگی و ۳۰۰ اسب در نزدیکی احد اردو زده بودند. همچنین لشکر بنی‌اسد با ۸۰۰۰ نفر نیرو به فرماندهی طلحه بن خویلد و یهودیان بنی‌نضیر که نقش آنها تقویت فکری و روحی این حرکت نظامی بود. امتیاز عمده سپاه احزاب، برخورداری از سواره نظامی با ۶۰۰ اسب بود که برتری کامل آنان را بر سپاه اسلام تضمین می‌کرد (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۳۱).

قرآن کریم در آیه ۹ سوره احزاب، این سپاهیان را «جُنُودٌ» و در آیه ۲۰ «الْأَحْزَابُ» می‌نامد و در آیه ۲۶ به نقش اهل کتاب (بنی‌نضیر) که از دشمن حمایت کردند («الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ») اشاره دارد. با این حال، در آیه ۲۵، ناکامی دشمن را تأیید می‌کند: «وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا» که نشان‌دهنده بی‌اثر شدن برتری سواره نظام به دلیل استراتژی دفاعی است.

پیامبر اکرم (ص) پس از رسیدن خبر حرکت سپاه دشمن، ضمن بررسی جزئیات جنگ احزاب، سیاست دفاعی را اتخاذ کردند. بهترین تدبیر برای تحقق این هدف، ماندن در شهر و بهره‌برداری از امکانات و توانایی‌های درون‌شهری بود. ماندن در شهر می‌توانست سپاه اسلام را به لحاظ پشتیبانی در یک جنگ دفاعی طولانی یاری دهد. پیامبر اکرم (ص) به محض شنیدن حرکت سپاه کفر به سمت مدینه، با استفاده صحیح از زمان، قبل از رسیدن سپاه کفر، با مشورت و همفکری مسلمانان و یاران خود، به راه حل مناسبی برای مقابله با دشمن دست یافتند که سرانجام با طرح سلمان فارسی برای حفر خندق در اطراف شهر مدینه موافقت شد (ر.ک: ابن‌هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۷۰۸). مهندسی رزمی خندق، برای نخستین بار توسط پیامبر اکرم (ص) و آن‌هم به اشاره سلمان فارسی بود؛ زیرا جنگ‌های عصر جاهلیت، مبتنی بر گریز و تهاجم بود و آنان با

جنگ‌های دفاعی آشنا نبودند (قائدان، ۱۳۸۵، ج ۳۲). طول خندق، حداقل شش کیلومتر بود که از شمال شرق مدینه در ناحیه برج‌های شیخان شروع، و تا غرب مدینه و از آنجا به طرف جنوب تا محلی که اکنون مسجد فتح قرار دارد کشیده می‌شد. تعداد حفرکنندگان خندق نیز سیصد نفر بود که با تلاش شبانه‌روزی در شش روز به اتمام رسید (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۵۱). حفر خندق در اطراف مدینه، از نظر نظامی موجب تضعیف روحیه دشمن و تقویت روانی مسلمانان می‌شد که این مسئله، حائز اهمیت بود. احزاب، راهی طولانی را به امید نابودی کامل اسلام و پیروان این آیین مقدس پیموده بودند، ولی بعد از رسیدن به مدینه، خندقی را که پیش‌بینی نمی‌کردند، آنها را به مدت یک ماه در سرمای سخت، پشت دروازه‌های شهر زمین‌گیر کرد؛ به‌طوری‌که حتی از لحاظ تدارکات نیز به مشکل برخورد کردند (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۷۰).

آیه ۱۰ سوره احزاب، به تلاش دشمن برای نفوذ از جهات مختلف («إِذْ جَاءُوكُم مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ») و آیه ۲۵ به ناکامی آنها («وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ») اشاره دارد که با نقش خندق همخوانی دارد. همچنین آیه ۹ به مشکلات تدارکاتی دشمن به دلیل مدد الهی («فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا») اشاره می‌کند.

پیامبر اکرم (ص) باتوجه به برتری کمی سپاه دشمن و برخورداری آنان از بیش از ششصد اسب، با مدیریت اثربخش و دقیق، به عنوان کلید موفقیت هر حکومت، تهاجم اولیه سواره‌نظام سپاه دشمن را باتوجه به منابع انسانی سپاه اسلام، با حفر خندق بی‌اثر کردند. به عبارت دیگر، سپاه دشمن را که موفقیت آنها، به تهاجم اولیه بستگی داشت، فلج کردند. تدبیر پیامبر اکرم (ص) به منظور دستیابی به اهداف حکومتی و باهدف بهبود بخشیدن به مشارکت مؤثر مردمی به طریق اخلاقی و مسئولانه، مدیریت نیروی انسانی بود؛ به‌طوری‌که از سُست‌ایمانان و حتی منافقان، در حد مطلوب بهره‌برداری کردند (یعقوب‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۹۹).

آیات ۱۲ تا ۲۰ سوره احزاب، به تلاش منافقان برای تضعیف روحیه (مانند آیه ۱۲: «مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا») و آیه ۱۳: «يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا») اشاره دارند، اما آیه ۲۲، ایمان مؤمنان را ستایش می‌کند: «وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا». آن حضرت همچنین در راستای تقویت روحیه و برای تشویق مسلمانان، در حفر خندق، مشارکت مستقیم و جدی داشتند، با تمام توان کار می‌کردند و با تواضع توصیف‌نشده‌ای، شخصاً خاک بر پشت خود حمل می‌کردند؛ به‌گونه‌ای که تمام لباسشان خاک‌آلود می‌شد (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۷۰؛ الصالحی الشامی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۶۵ و بیهقی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۱۲). آیه ۲۱ سوره احزاب این نقش را تأیید می‌کند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»، که بیانگر مشارکت عملی و رهبری الگومند ایشان است.

۳-۳. استراتژی ST (اقتضایی)

این راهبرد، مربوط به وضعیت خارجی سازمان است و فرصت‌های آن را در ارتباط با بیرون ارزیابی می‌کند. این راهبرد، بر اساس توانمندی سازمان طراحی می‌شود و برای مقابله با هر کدام از تهدیدهای احتمالی، از تمام نقاط قوت داخلی استفاده می‌کند. این راهبرد ناظر به جنگ احزاب در محورهای زیر قابل بررسی است:

۳-۳-۱. تضعیف روحیه دشمن با قتل شجاع‌ترین فرمانده آنان

از نکات مهم در جریان غزوه خندق، داشتن آمادگی رزمی و جسمانی برای برخورد با دشمنان اسلام است:

۳-۳-۱-۱. تهدید خارجی؛ فرمانده شجاع عمرو بن عبدود

درباره تولد و زندگی عمرو بن عبدود عامری باید گفت که وی از تیره بنی عامر بن لؤی از قریش بود (ابن هشام، ۱۳۸۳ ق، ج ۳، ص ۷۳۲). وی به «فارس لیل» شهرت داشت و شجاعتش را با هزار سوار عرب برابر می‌دانستند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۲، ص ۳۲۴). وی در جریان جنگ احزاب، هنگامی که با خندق مواجه شد، از نقطه باریکی از خندق که از تیررس مسلمانان دور بود، با اسب خود به جانب دیگر خندق پرید و طنین «هل من مبارز» او در میدان احزاب پیچید. چون کسی از مسلمانان، آماده مقابله با او نشد، جسورتر شد و شروع به رجزخوانی کرد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۰۰). نیرومندی و مبارزطلبی همراه با جسارت عمرو بن عبدود در حدی بود که هیچ‌یک از مسلمانان، داوطلب هم‌اوردی با او نمی‌شد. در منابع تاریخی آمده است که هنگام مبارزطلبی عمرو، سکوت بر جبهه مسلمانان حاکم شده بود (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۹، ص ۴). آیات ۱۱ و ۱۲ سوره احزاب، این جو را تأیید می‌کنند: «هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا * مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» که به اضطراب مؤمنان و تردید برخی سست‌ایمانان اشاره دارند. شمشیر عمرو بن عبدود نیز به شعله‌ای از آتش تشبیه شده که کنایه از بَراق بودن و بُرندگی فوق‌العاده آن است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۳۴).

۳-۳-۱-۲. نقطه قوت داخلی؛ رشادت و پایداری امیرالمؤمنین (ع)

در برابر رجزخوانی عمرو بن عبدود، جز امیرالمؤمنین علی (ع) کسی جرئت مقابله با او را نداشت. علی (ع) بعد از کسب اجازه از پیامبر اکرم (ص)، با زره، دستار و شمشیر پیامبر به میدان رفت. امام علی (ع) ابتدا عمرو بن عبدود را دعوت کرد تا به توحید و نیز نبوت رسول خدا (ص) شهادت دهد. پس از آنکه او نپذیرفت، امام از عمرو خواست از همان راهی که آمده است بازگردد، ولی وقتی قبول نکرد به او گفت از اسب فرود آید و مبارزه کند و او نیز پذیرفت. در ادامه، پیکار بین علی بن ابی‌طالب (ع) و عمرو بن عبدود بالا گرفت. در جریان این نبرد، امام هر دو پای

عمرو بن عبدود را قطع و سرش را از تنش جدا کرد و پیروزی بزرگی را بهره مسلمانان نمود (علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۳۱-۱۳۲). در این حال، صدای تکبیر امیرالمؤمنین (ع) بلند شد و سپاه اسلام دریافتند عمرو بن عبدود کشته شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۰۲). پس از هلاکت عمرو بن عبدود، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: این نخستین پیروزی است و شوکت و هیبت مشرکان از میان رفت و از امروز به بعد، آنان دیگر با ما نمی‌جنگند و این ما هستیم که با آنان می‌جنگیم (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۶۲). هلاکت قهرمان معروف دشمن به دست امیرالمؤمنین (ع) از یک طرف و نیز طوفان و شدت سرما و کمبود علوفه از سوی دیگر، ضربه غیر قابل جبرانی را بر لشکر احزاب وارد ساخت و موجب شد که سپاه ده هزار نفری دشمن، با خواری و ذلت، جبهه و محاصره مدینه را ترک کنند و به مکه بازگردند.

۳-۳-۲. طرح نقشه‌های دقیق و حسابگرانه

پیامبر اکرم (ص) در جریان نبرد، از نیروی‌های نفوذی برای ایجاد تفرقه و پراکندگی در سپاه دشمن استفاده کردند.

۳-۳-۲-۱. تهدید خارجی؛ فزونی دشمن (مشرکان قریش و اهل کتاب)

اهل کتاب مدینه، نقش مؤثر و خطرناکی در آوردن سپاه کفر بر سر مسلمانان داشتند. پیش از این، گروهی از آنان به مکه رفتند و با اشاره به وضعیت موجود، کفار مکه را برای ریشه‌کن کردن مسلمین تحریک و تشویق کردند. اتحاد کفار با قبایل هم‌پیمان خود و همچنین یهودیان اطراف مدینه و استفاده از جریان نفاق در داخل صفوف مسلمین، همگی در طرح‌ریزی جنگ احزاب مؤثر بوده است.

۳-۳-۲-۲. نقطه قوت داخلی؛ نیروهای نفوذی مسلمانان در سپاه دشمن

در زمان محاصره مدینه توسط احزاب، یهود بنی قریظه، پیشنهاد حیی بن اخطب، بزرگ بنی نضیر، مبنی بر همکاری با سپاه احزاب را پذیرفته بودند. خبر این پیمان شکنی یهود بنی قریظه را نعیم بن مسعود اشجعی به پیامبر اکرم (ص) داد. نعیم بن مسعود از قبیله غطفان، در زمان غزوه خندق، مسلمانی بود که یهودیان و مشرکان قریش، از اسلام او بی‌اطلاع بودند و میان طوایف رفت و آمد داشت. وی خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و از ایشان خواست تا وظیفه‌ای را به دوش او بگذارد. حضرت نیز مسئولیت تفرقه افکنی بین یهودیان بنی قریظه و سپاه احزاب را به او داد (اليعمری، ۲۰۱۵م، ج ۲، ص ۹۵). بنی قریظه معاهده‌ای با قریش امضا کرده بودند. نعیم بن مسعود به بنی قریظه گفت: اگر قریش به مکه بازگردد، قطعاً مسلمانان، شما را به خاطر همکاری با قریش کیفر خواهند کرد. از این رو به آنان پیشنهاد داد که گروهان‌هایی از بزرگان قریش را برای اطمینان نزد خود نگاه دارند. وی پس از آن به سراغ قریشیان رفت و قریش را از مکر یهود باخبر نمود و گفت

بنی قریظه به صورت محرمانه با مسلمانان صلح کرده‌اند و می‌خواهند گروگان‌ها را به محمد (ص) تحویل دهند. به این ترتیب نعیم بن مسعود اشجعی با رفتن به اردوگاه‌های قبایل کفار و یهودیان، با اجرای طرحی زیرکانه، سبب جدایی میان آنها و ایجاد وحشت و عدم اعتماد آنان به هم شد: «وَقَدْ فِی قُلُوبِهِمُ الرُّعْبُ» (احزاب: ۲۶). با ایجاد اختلاف بین آنان، از نیرو و توانشان کاسته شد و به این ترتیب در پرتو شایعه‌سازی یک مسلمان غطفانی متفرق شدند و دست از حمایت احزاب برداشتند. اتحاد و هماهنگی سپاه دشمن، شکست و نابودی آنها را مشکل و گاه ناممکن می‌کند؛ لذا یکی از سیاست‌های نظامی پیامبر اکرم (ص) برهم زدن اتحاد دشمن و ایجاد اختلاف و دودستگی بین آنها بود (جمشیدی و تنهایی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷) و این طرح نیز بر همین اساس شکل گرفت و اجرا شد.

۳-۳-۳. سیاست نظامی بازدارنده

سیره پیامبر اکرم (ص) در مسائل نظامی و تعیین استراتژی‌ها، از ابعاد الهی برخوردار بود؛ لذا آن حضرت باتکیه بر وحی الهی و تحلیل شرایط موجود، سیاست نظامی بازدارنده در مقابل پیمان‌شکنی احتمالی یهودیان را به عنوان بهترین راه حل برگزید: «وَإِنَّمَا تَخَافَنَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ» (انفال: ۵۸)؛ به این معنا که تا هنگامی که خیانت آنها محرز نشده بود، اقدامی از سوی حکومت مدینه صورت نگرفت، ولی با نقض پیمان نامه مدینه، مطابق با مفاد همان پیمان نامه (اخراج یهود در برابر خیانت‌های منجر به تهدید جان مسلمانان) که همه قبایل یهودی آن را پذیرفته بودند، با آنان رفتار شد تا توان سیاسی و نظامی حکومت مدینه برای یهودیان روشن شود و جدیت حکومت اسلامی در برخورد با هرگونه تهدید امنیتی در داخل شهر را آشکارا بینند. از این رو، پیامبر اکرم (ص) فقط به عنوان آخرین راه حل، زمانی که به پیمان‌های بسته شده عمل نمی‌شد، مطابق شروط پیمان نامه‌ها، اقدام به عملیات نظامی بازدارنده می‌کرد (قریب و عالمی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۱).

۳-۳-۳-۱. تهدید داخلی؛ خیانت و عهدشکنی یهودیان بنی قریظه

قبایل سه‌گانه یهود بنی‌نضیر، بنی‌قریظه و بنی‌قینقاع کسانی بودند که وقتی نبوت از بنی‌اسرائیل منقطع شد و به عرب رسید، از شام به سوی یثرب آمدند تا پس از ظهور پیامبر اکرم (ص) از یاوران او باشند؛ زیرا عالمان دینی‌شان به آنان خبر داده بودند که حضرت محمد (ص) رسول خداست و پیروان او بهترین امت‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۴۵-۱۴۶). قبیله بنی‌قینقاع، در قلب شهر مدینه به شغل زرگری مشغول بودند و بازار را در دست داشتند (الحموی الرومی، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۴۲۴). همچنین قبیله بنی‌نضیر در جنوب شرقی مدینه و قبیله بنی‌قریظه در شرق مدینه، در قلعه‌های محکم خویش ساکن بودند. پیش از این، میان قبایل سه‌گانه یهود مدینه و پیامبر اکرم (ص)، پیمان همزیستی مسالمت‌آمیز بسته شده بود. پیمان نامه مدینه، تمام اهالی این

شهر را صرف نظر از دینشان ملزم به دفاع در مقابل دشمن خارجی کرده بود. در این میان، یهودیان با اینکه موظف به دفاع از مدینه با جان و مال خویش بودند، اما در هنگام هجوم دشمنان، کمترین اقدامی در راستای دفاع نظامی از مدینه انجام ندادند و با رسول خدا(ص) همراهی نکردند (عجاج کرمی، ۱۴۲۷ق، ص ۸۶).

قرآن کریم بارها به دشمنی اهل کتاب با مسلمانان اشاره کرده است. آنان همواره با ترسیم طرح‌های سیاسی، نظامی و نیز تفرقه‌انگیزی، قصد ضربه وارد کردن به نظام اسلامی داشتند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم وارد عمل می‌شدند: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ» (مائده: ۸۲). براین اساس، در سال دوم هجرت، طایفه بنی‌قینقاع و در سال چهارم هجرت، قبیله بنی‌نضیر هریک به بهانه‌های واهی پیمان خود را شکستند و به مبارزه با پیامبر اکرم(ص) و مسلمانان برخاستند که سرانجام هر دو شکست خوردند و از مدینه بیرون رانده شدند (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۱۹۱). در سال پنجم هجرت، تنها قبیله بنی‌قریظه در مدینه مانده بود. یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که طی غزوه احزاب روی داد، پیمان‌شکنی یهودیان بنی‌قریظه در حق مسلمانان بود. آنان پیشنهاد احزاب مبنی بر همکاری را پذیرفته بودند و با پیگیری طرح‌های سیاسی، نظامی و تفرقه‌انگیزی، قصد ضربه وارد کردن به نظام اسلامی را داشتند. آنها به صورت مستقیم و غیرمستقیم وارد عمل شدند و عهده‌ی را که با پیامبر اکرم(ص) بسته بودند، نقض کردند و این پیمان‌شکنی را به فرستادگان پیامبر(ص) به صورت علنی اعلام کردند (همان، ص ۲۲۱).

۳-۳-۲. نقطه قوت داخلی؛ مدیریت نظامی شخص پیامبر اکرم(ص)

وظیفه اصلی رهبران الهی، هدایت جامعه به سوی کمال و ابلاغ رسالت و جذب مردم به سوی خدا و دین آسمانی است. اما هنگامی که مخالفان، اساس دعوت و اصول تغییرناپذیر دین را هدف قرار می‌دهند و به اقدامات عملی در این مسیر می‌پردازند، دیگر مدارا به صلاح نیست و رهبر الهی چاره‌ای جز برخورد قاطعانه و همراه با خشونت ندارد. پیامبر اکرم(ص) در هنگام نبرد خندق، در مقابل سیاست تهاجمی احزاب، ناگزیر به دفاع از مدینه شد تا تهاجم احزاب را دفع کند. اثبات قدرت به دشمن، مهم‌ترین قاعده در جهاد است که با ابزارهای مختلفی محقق می‌شود؛ زیرا طبیعت دشمن چنین است که هر اندازه طرف مقابل را در اقتدار ببیند، به همان میزان عقب‌نشینی می‌کند و هرگاه ضعف و سستی ملاحظه نماید، به همان میزان جسارت می‌یابد. براین اساس مؤمنان باید به گونه‌ای رفتار کنند که کافران، تقوئیت روحیه نشوند و پیوسته مرعوب قدرت آنان باشند (هادوی کاشانی و عمیدی، ۱۴۰۲، ص ۲۴۴).

مسلمانان به فرمان پیامبر اکرم(ص)، بعد از پراکنده شدن احزاب از اطراف مدینه، بلافاصله عازم قلعه‌های یهودیان فتنه‌گر و عهدشکن شدند. بنی‌قریظه به مدت ۲۵ روز در برابر مسلمانان مقاومت کردند و در نهایت تسلیم شدند: «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ

لَأُولِی الْحَشْرِ» (حشر: ۲) (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۷۱۷ و ابن کثیر، ۱۳۹۶ق، ج ۳، ص ۲۱۴). یهودیان بنی قریظه نیز پس از شکست و فرار احزاب، پایگاه خود را از دست دادند و از روی ترس و هراسی که خدا در دل هایشان انداخته بود، قلعه‌های محکم و کاخ‌های سنگی خود را رها کردند و گروهی کشته و عده‌ای اسیر شدند (ابن الاثیر الجزری، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۱۸۵-۱۸۷). پیامبر اکرم (ص) نیز با قلع و قمع آنان در آن زمان، خطر بالقوه آنها را برای همیشه از مدینه و مسلمین دفع نمود: **«وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا»** (احزاب: ۲۶). این همان نتیجه ناجوانمردی یهود بود که پیامبر اکرم (ص) را بر آن داشت این کانون خطر را برچیند تا بار دیگر صحنه نبرد احزاب تکرار نشود. براین اساس، سیاست نظامی بازدارنده پیامبر (ص) باعث قدرت‌نمایی مدینه در مقابل احزاب شد و نشان داد که حکومت مدینه توانایی پاسخ به هرگونه تجاوزی را دارد؛ زیرا بی‌تفاوتی حکومت مدینه در برابر حملات آنان، زمینه اتحاد آنها را برای حمله گسترده به مدینه فراهم می‌کرد (زرگری نژاد، ۱۳۸۷، ص ۴۰).

قاطعیت در زندگی رهبران اجتماعی و سیاسی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و شریعت اسلامی نیز در مواردی، صلابت را برای رهبران اجتماعی روا می‌شمارد. نتیجه این نوع برخورد اینکه فکر سلطه‌گری و تجاوز دشمنان بیرونی را خنثی می‌کند. اگر سخت‌گیری در برخورد با مجرمان داخلی جامعه صورت نپذیرد، آنان احساس امنیت می‌کنند و فضای جامعه دچار ناامنی می‌گردد و هرج و مرج فراگیر می‌شود: **«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»** (توبه: ۷۳). اولویت برخورد قاطعانه با دشمن داخلی به این دلیل است که آنان با وجود اطلاعات دقیقی که از وضعیت جامعه اسلامی (نقاط قوت و ضعف) دارند، زمینه‌های بیشتری برای حمله و آسیب زدن به آن برایشان فراهم است: **«قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ»** (توبه: ۱۲۳). در اغلب موارد، همین دشمنان نزدیک، مرتبط و یا حتی هم‌پیمانان دشمنان دور هستند و از توان بیشتری برای جنگ روانی برخوردارند و با همین ابزار می‌توانند بر فضای عمومی جامعه تأثیرگذار باشند و یکپارچگی آنان را برهم بزنند. با پیروزی بر دشمنان داخلی، رعب و وحشت در دل دشمنان دوردست می‌افتد و تمرین مناسبی برای مؤمنان است تا آمادگی بیشتری برای برخورد با دشمنان دوردست کسب نمایند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۱۹۶).

۴. پیامد استراتژی نظامی پیامبر اکرم (ص) در جنگ احزاب

در این نبرد سرنوشت‌ساز، آینده اسلام و شرک روشن شد. پیروزی مسلمانان در جنگ احزاب، جایگاه سیاسی - نظامی حکومت مدینه را در شبه جزیره عربستان تثبیت کرد و حکومت مدینه در موضع قدرت قرار گرفت و از آن پس، نبرد بزرگی میان مشرکان مکه و مسلمانان به وقوع نپیوست (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۹۱)؛ به‌گونه‌ای که پیامبر اکرم (ص) در پایان جنگ فرمودند: مشرکان

دیگر برای نبرد با ما توان ندارند و اکنون ما با آنها می‌جنگیم: «فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا» (احزاب: ۲۶) (الطبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۹۸). پیروزی بر احزاب، پیامدهای پرباری برای مسلمانان داشت؛ از جمله:

- الف) تثبیت موقعیت حکومت اسلامی پیامبر اکرم(ص) در داخل و خارج مدینه؛
- ب) بالا رفتن سطح روحیه و معنویت مسلمین با مشاهده معجزات الهی و هموار شدن راه پیروزی‌های آینده، به‌ویژه فتح خیبر؛
- ج) افشاگری کامل در مورد منافقان و آسوده شدن خاطر مسلمانان از جاسوسی‌های یهود با فراهم شدن زمینه‌ای برای تصفیه مدینه از شر یهود بنی‌قریظه و در نتیجه، پاک شدن جبهه داخلی مدینه؛
- د) ناکام ماندن آخرین تلاش دشمن و فرو ریختن پایگاه مشرکان عرب در مدینه و قطع امید آنان از شورش از درون مدینه و افزایش قدرت مؤمنان در دل‌های دشمن؛
- هـ) جبران خاطره دردناک شکست احد و تقویت بنیه مالی مسلمین به‌وسیله غنائم این جنگ.

۵. تحلیل قرآنی نقاط قوت در جنگ احزاب

غزوه خندق (در سال پنجم هجری) یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ صدر اسلام است که در آیات ۹ تا ۲۷ سوره احزاب به‌صورت جامع توصیف شده است. این آیات نه‌تنها به وقایع تاریخی این جنگ، بلکه به ابعاد معنوی، روانی، و استراتژیک آن نیز پرداخته‌اند. برای تحلیل دقیق نقاط قوت و ضعف استراتژی سیاسی- نظامی پیامبر اکرم(ص) در این غزوه، آیات مذکور با مراجعه به تفاسیر معتبر بررسی شدند. براین‌اساس، یافته‌های ذیل در این زمینه قابل ذکرند:

۵-۱. حمایت ویژه خداوند از مسلمانان در غزوه خندق

آیه ۲۵ سوره احزاب، به نتیجه نهایی غزوه خندق اشاره دارد: «وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ». این آیه بیان می‌کند که خداوند، دشمنان کافر (احزاب متشکل از قریش، غطفان، بنی‌نضیر، و بنی‌قریظه) را با خشم و ناکامی بازگرداند، بدون آنکه به هدف خود (نابودی اسلام) دست یابند. بخش دوم آیه («وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ») تأکید می‌کند که خداوند، مؤمنان را از درگیری مستقیم و سنگین حفظ کرد و پیروزی را با مدد الهی به آنها عطا نمود. همچنین آیه ۹ به ابزارهای این حمایت اشاره دارد: «إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودُ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا». این آیه، به ارسال باد شدید و نیروهای غیبی توسط خداوند اشاره می‌کند که دشمن را در محاصره مدینه زمین‌گیر کرد.

۵-۲. وعده قطعی الهی و پیامبر (ص) مبنی بر پیروزی

آیه ۲۲ سوره احزاب، به ایمان مؤمنان به وعده‌های الهی و پیامبر (ص) اشاره دارد: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ». طبق تفسیر راهنما، این آیه نشان‌دهنده اعتماد کامل مؤمنان به وعده پیامبر (ص) مبنی بر پیروزی است، حتی در برابر لشکری عظیم. تفسیر التحریر والتنویر (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ج ۲۴، ص ۲۶۲) تأکید می‌کند که این وعده، نتیجه پیش‌بینی دقیق پیامبر (ص) از وقوع جنگ و اطمینان ایشان به حمایت الهی بود. این اطمینان، روحیه رزمندگان را تقویت کرد و آنها را در برابر فشار روانی دشمن مقاوم ساخت. تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱۶، ص ۴۳۰) نیز بیان می‌کند که این ایمان به وعده الهی، مؤمنان را از تردید و ترس نجات داد و به آنها عزمی راسخ بخشید.

۵-۳. ایمان قوی رزمندگان

آیه ۲۲ ادامه می‌دهد: «وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا». این بخش از آیه نشان‌دهنده ایمان استوار مؤمنان است که نه تنها در برابر دشمن تضعیف نشد، بلکه تقویت گردید. تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۱۷، ص ۱۸۰) توضیح می‌دهد که این ایمان قوی، نتیجه تعالیم پیامبر (ص) و اعتقاد عمیق به هدف الهی (جهاد فی سبیل الله) بود. مؤمنان، حیات دنیا را موقت و شهادت را نذری شرعی می‌دانستند (آیه ۲۳: «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ»). تفسیر مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۴۸) این ایمان را عامل تمایز مؤمنان راستین از منافقان و سست‌ایمانان می‌داند که در لحظات بحرانی به تردید و فرار روی آوردند.

۵-۴. فرماندهی مستقیم و محوری پیامبر اکرم (ص)

آیه ۱۳ («وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ») نشان‌دهنده اقتدار و جایگاه محوری پیامبر (ص) به عنوان فرمانده کل است. تفسیر مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۴۵) تأکید می‌کند که درخواست اجازه منافقان از پیامبر (ص) برای ترک جبهه، نشانه نقش تصمیم‌گیرنده ایشان در مدیریت بحران بود. آیه ۱۹ («فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ») نیز جایگاه محوری پیامبر (ص) را در تقویت روحیه نشان می‌دهد. تفسیر راهنما (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۲۸۰) بیان می‌کند که نگاه منافقان به پیامبر (ص) در لحظه ترس، نشان‌دهنده اعتماد به رهبری ایشان و تأثیر رفتارشان در آرامش بخشی به جامعه بود. پیامبر (ص) با مشارکت مستقیم در حفر خندق و رفتار متواضعانه (ابن هشام، ۱۳۸۳ ق، ج ۳، ص ۷۰)، الگویی عملی برای مؤمنان ارائه کردند (آیه ۲۱: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»).

۵-۵. پیش‌بینی دقیق و برنامه‌ریزی پیامبر(ص)

آیه ۲۲ («هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ») به پیش‌بینی دقیق پیامبر(ص) از وقوع جنگ و پیروزی اشاره دارد. تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۱۷، ص ۱۸۰) بیان می‌کند که پیامبر(ص) با تحلیل شرایط و مشورت با یاران (مانند سلمان فارسی)، استراتژی حفر خندق را اتخاذ کردند که این اقدام، دشمن را زمین‌گیر کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۵۱). تفسیر التحرير والتنوير (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ج ۲۴، ص ۲۶۲) نیز این پیش‌بینی را نتیجه بصیرت الهی و مدیریت استراتژیک پیامبر(ص) می‌داند. این برنامه‌ریزی، با استفاده بهینه از زمان محدود (شش روز برای حفر خندق شش کیلومتری)، ضعف‌های داخلی را جبران کرد.

نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، استراتژی نظامی پیامبر اکرم(ص) بر اساس الگوی سوات در آیات ۹ تا ۲۷ سوره احزاب بود. به‌کارگیری مدل تحلیلی سوات در تبیین وضعیت سپاه مسلمانان - احزاب، تمرینی برای بهره‌گیری وسیع‌تر از آن در موارد مشابه به شمار می‌رود که تلاش برای بومی‌سازی مدل تحلیلی سوات می‌تواند ما را به راهبردهای جدیدتری سوق دهد. به طور مثال، ترکیب وجوه مختلف قوت‌های احزاب با سپاه مسلمانان می‌تواند راهبردهای تازه‌ای را فراهم کند. همان‌گونه که در پژوهش انعکاس یافت، تعیین استراتژی نظامی در برابر تهدیدات مشرکان و یهودیان، یکی از عرصه‌های مهم مدیریت پیامبر اکرم(ص) بود که تأثیرات آن به صورت مستقیم بر جامعه نوپای آن روز بروز و ظهور پیدا می‌کرد. با توجه به مستندات، عوامل و موانعی وجود داشت که بر فرایند مدیریت سیاسی تأثیرگذار بود. لذا با استفاده از روش سوات، به عوامل مؤثر بر مدیریت پیامبر اکرم(ص) در غزه خندق در دو دسته عوامل بیرونی و درونی و همچنین تحلیل عوامل استراتژیک پرداخته شد.

یافته‌های این مطالعه نشان داد کمبود تجهیزات، توطئه منافقان و بیمار دلان درون مدینه، کمبود زمان و عهدشکنی یهودیان بنی قریظه، از موانع و عوامل اصلی در مدیریت نظامی پیامبر اکرم(ص) بودند. از این رو برای برنامه‌ریزی و کاهش این ضعف‌ها، پیامبر اکرم(ص) از راهکارهایی نظیر استفاده بهینه از زمان، جبران کمبود تجهیزات در پی مدیریت صحیح نیروی انسانی، تضعیف روحیه دشمن با کشتن شجاع‌ترین فرمانده، برهم زدن اتحاد دشمن با استفاده از نیروهای نفوذی و برخورد قاطعانه با خیانتکاران استفاده کردند.

فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید؛ شرح نهج البلاغه؛ قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفی، ۱۳۷۸ ش.
۲. ابن الاثير الجزرى، على بن محمد بن عبدالكريم؛ الكامل فى التاريخ؛ بيروت: دار الصادر، ۱۳۸۵ ق.
۳. ابن سعد، ابو عبدالله محمد؛ الطبقات الكبرى؛ تحقيق: محمد عبدالقادر، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن على؛ مناقب آل ابى طالب؛ تحقيق: محمد حسين آشتياني و هاشم رسولى، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۵. ابن عاشور، محمد الطاهر؛ التحرير والتنوير؛ تونس: مكتبة الشاملة الدار التونسية للنشر.
۶. ابن كثير، أبى الفداء اسماعيل؛ السيره النبويه؛ تحقيق: مصطفى عبدالواحد، بيروت: دار المعرفه للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۳۹۶ ق.
۷. ابن هشام، عبد الملك بن هشام؛ السيره النبويه؛ تحقيق: محمد محيى الدين عبد الحميد، قاهره: مكتبه محمد على صبيح و اولاده، ۱۳۸۳ ق.
۸. احمدى، محمدرضا؛ «روش تحليل راهبردى»؛ حصون، ش ۱۳، ص ۳۹-۵۷، ۱۳۸۶ ش.
۹. بيهقى، ابوبكر؛ دلائل النبوه معرفه احوال صاحب الشريعه؛ تحقيق: عبدالمعطى قلعجى، بيروت: دار الكتب العلميه - دار الريان التراث، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. پيرس، جان و راينسون، ريجارد كنت؛ برنامه ريزى و مديريت استراتژيك؛ ترجمه: سهراب خليلى شورينى، تهران: انتشارات يادواره كتاب، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. جمشيدى، حسن و تنهاى، نرگس؛ «اقدامات تأمينى و نظامى پيامبر (ص)»؛ اندیشه، سال پانزدهم. ش ۱، ص ۱۲۱-۱۴۸، ۱۳۸۸ ش.
۱۲. جوادى آملی، عبدالله؛ تفسير تسنيم؛ قم: مركز نشر اسراء، ۱۴۰۱ ش.
۱۳. چارلز، شوانك؛ «سلفى گرى نوين در تقابل با راهبرد تقريب اسلامى»؛ نشریه طلوع، سال هفتم، ش ۲۷، ص ۸۵-۱۰۶، ۱۳۷۰ ش.
۱۴. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله؛ المستدرک على الصحيحين فى الحديث؛ بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۱ ق.
۱۵. الحموى الرومى، ياقوت بن عبدالله؛ معجم البلدان؛ بيروت: دار صادر، ۱۹۹۵ م.
۱۶. رضاپور، يوسف؛ «الگوی تصميم گيرى در مديريت علمى و مديريت اسلامى»؛ زبان و ادب فارسى (نشریه سابق دانشکده ادبيات و علوم انسانی تبريز)، ش ۱۶۴، ص ۸۵-۱۰۶، ۱۳۷۶ ش.

۱۷. زاهری، روح الله؛ «جریان شناسی احزاب»؛ فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۴۶، ص ۸۷-۱۰۶، ۱۴۰۰ ش.
۱۸. زرگری نژاد، غلام حسین؛ تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)؛ تهران: سمت، ۱۳۸۷ ش.
۱۹. شهسواری، سجاد؛ «تحلیل عوامل مؤثر بر مدیریت آموزش در سازمان با استفاده از روش سوات (رویکردی تربیت گرایانه)»؛ فصلنامه مدیریت و چشم انداز آموزش، (مؤسسه مدیرتی فکر نواندیش)، ش ۲، ص ۴۰-۶۵، ۱۴۰۱ ش.
۲۰. شیخ مفید، محمد بن محمد؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. شیروودی، مرتضی؛ مسائل نظامی و استراتژیکی معاصر، قم: زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع)، ۱۳۸۵ ش.
۲۲. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف؛ سبل الهدی و الرشاد؛ تحقیق: الشیخ عادل احمد عبدالموجود و الشیخ علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.
۲۳. ضاهروتیر، محمد؛ مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص)؛ ترجمه و تحقیق: اصغر قائدان، تهران: صریر، ۱۳۸۵ ش.
۲۴. طباطبایی، محمد حسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶ ش.
۲۵. الطبرانی، سلیمان بن احمد اللخمی؛ المعجم الکبیر؛ بی جا: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق: محمد جواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۷. عجاج کرمی، احمد؛ الاداره فی عصر الرسول (ص)؛ قاهره: دار السلام، ۱۴۲۷ ق.
۲۸. علامه حلی، حسن بن یوسف بن المطهر؛ کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین (ع)؛ تحقیق: حسین درگاهی، تهران: انتشارات ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۲۹. قائدان، اصغر؛ «مدیریت و رهبری پیامبر (ص) در عرصه های نظامی»؛ مطالعات بسیج، سال نهم، ش ۳۱، ۱۳۸۵ ش.
۳۰. قریب، قاسم و عالمی، خدیجه؛ «تصمیم گیری پیامبر اسلام (ص) در تعیین استراتژی نظامی حکومت مدینه (از هجرت تا فتح مکه)»؛ تاریخ نامه خوارزمی، سال پنجم، ش ۲۲، ص ۱۱۱-۱۳۴، ۱۳۹۷ ش.
۳۱. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۳۳. ملاشفیعی، بتول؛ بهجت پور، عبدالکریم و ناصحی، محمد؛ «آسیب شناسی اخلاقی - سیاسی جامعه و راهکارهای دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی بر اساس سوره احزاب»؛ علوم سیاسی، سال ۲۳، ص ۷-۲۶، ۱۳۹۹ ش.

۳۴. واقدی، محمد بن عمر؛ المغازی؛ تحقیق: مارسدن جونس، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ ق.
۳۵. ولوی، علی محمد؛ «مدیریت در بحران پژوهش مورد در مدیریت پیامبر اکرم (ص) در غزوه احزاب»؛ تاریخ اسلام (دانشگاه باقرالعلوم (ع))، ش ۳، ص ۷-۲۲، ۱۳۷۹ ش.
۳۶. هادوی کاشانی، اصغر و عمیدی، حنان؛ «تحلیل محتوای پیمان‌های سیاسی خداوندی در خطاب‌های قرآن کریم»؛ دوفصلنامه علمی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، سال ۱۱، ش ۲، ص ۲۲۵-۲۴۷، ۱۴۰۲ ش.
۳۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر؛ تفسیر راهنما؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۵ ش.
۳۸. یعقوب زاده، هادی؛ «گونه‌شناسی نیروهای حاضر در جبهه مسلمانان در جنگ احزاب و تحلیل اقدامات آنان با بررسی آیات مرتبط در سوره احزاب»؛ فصلنامه علمی سخن تاریخ، ش ۳۷، ص ۹۰-۱۱۲، ۱۴۰۱ ش.
۳۹. الیعمری، ابوالفتح محمد بن محمد معروف به ابن سیدالناس؛ عیون الاثر فی فنون المغازی و المشائل و السیر، بیروت: دار ابن کثیر، ۲۰۱۵ م.
- 40.-Kangas J., Kurttila M., Kajanus M. and Kangas A. (2003), "Evating strategies of a forestland estate - the s-o-s," Journal Management.